



کتاب راحة الصدور و آية السرور اثر ابی بکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن الحسین بن همة الروانندی از مورخان قرن ششم هجری و از منابع مهم دوره سلجوقیان محسوب می شود . خاندان سلاجقه از سال ۴۲۹ هـ. ق. / ۱۰۴۰ م. تا سال ۵۹۰ هـ. ق. / ۱۰۳۸ م و یا به روایت دقیق تر از سال ۴۳۱ هـ. ق. / ۱۱۹۴ م. در ایران حکمروایی می کردند .

این دوره ۱۶۰ ساله را می توان بطور واضح به سه دوره تقسیم کرد برای هرکدام از این دوره ها ما تاریخهای نفیس و با ارزشی در اختیار داریم که بوسیله علمای بزرگ نوشته شده اند. آنها نه تنها شاهد عینی ماجراهایی بودند که آنها را ثبت کرده اند، بلکه همچنین نقش موثری نیز در آن دوره داشته اند.

اولین برهه از این سه دوره را که با مرگ ملکشاه سلجوقی بسال ۴۸۵ هـ. ق. / ۱۰۹۲ م. خاتمه می یابدمی توان «عصر امپراتوری» نامید . در این مورد ما منبع قابل تحسینی همچون تاریخ بهیقی را در اختیار داریم بهمراه تاریخ نگاری ابن اثیر که اگرچه وی معاصر این دوران نبوده ولی کتاب وی براساس منابع معتبر قبلی بنا شده و دارای جزئیات با ارزشی در مورد وقایع آن دوران است.

دومین مرحله یا دوره میانی یا «عصر سنجر» است که وی قدرت بلامنازع خود را تا مرکز حکومت در عراق گسترده بود و این دوره نیز تا نزدیکی زمان فوت وی در سال ۵۵۲ هـ. ق. / ۱۱۵۷ م. ادامه می یابد . وقایع این عصر به طور کامل توسط ابن اثیر و عمادالدین کاتب اصفهانی ثبت شده است .^۱

سومین و آخرین مرحله یعنی «عصر انحطاط و سقوط» فاصله سالهای ۵۵۲-۵۹۰ هـ. ق. / ۱۱۵۷/۱۱۹۴ م. را شامل می شود که برای این دوره کتاب مورد بحث یعنی راحة الصدور و آية السرور از منابع اصلی محسوب می شود . برای مولف شخصاً و دایبی اش که از درباری های سلطان طغرل سوم ، آخرین پادشاه سلجوقی بوده اند، دسترسی آسان به اطلاعات دست

آمد و در خردسالی پدر خود را از دست داد. او بسیار مشتاق و علاقمند به ادامه تحصیلش بود، اما اینکار عملی نبود زیرا قحطی شدیدی در اصفهان و تمام نواحی اطراف آن از سال ۵۷۰ هـ. ق. / ۱۱۷۴ م. به آنسو بروز کرده بود و خانواده اش دچار فقر و فلاکت شده بود. اما دایبی او تاج الدین احمد بن محمد بن علی الراوندی سرپرستی اش را بعهده گرفت و مانند یک آموزگار به تربیت و نگهداری او پرداخت.

تاج الدین مرد فاضل و عالمی بود و در مدرسه ای که توسط جمال الدین آی آبه ، اتابک سلطان طغرل در همدان تاسیس شده بود، به تدریس اشتغال داشت . او در علومی مانند فقه، تفسیر قرآن ، حدیث و ادبیات فارسی و عربی استاد بود. وی همچنین چندین جلد کتاب در این موضوعات تالیف نمود و یک خوشنویس ماهر و چیره دست بود. رواندی برای مدت ده سال تقریباً از سال ۵۷۰ هـ. ق. / ۱۱۷۴ م. تا ۵۸۰ هـ. ق. / ۱۱۸۴ م. تحت سرپرستی دایبی اش قرار داشت. طی این مدت به همراه او از شهرهای بزرگ منطقه عراق دیدن کرد و فن خوشنویسی و صحافی و تذهیب را به خوبی فرا گرفت . او تحریر هفتاد نوع خط متفاوت را یاد گرفت.^۲ او همچنین علوم نظیر فقه و حدیث را نزد چند تن از استادان مشهور زمان خویش نظیر فخرالدین البلخی ، بهاءالدین الیزدی و صفی الدین اصفهانی آموخت و از آنها اجازه تدریس و خطابه گرفت. او بطور خلاصه توصیفات زندگی خویش را در اشعار کوتاهی برای حامی خود سلطان کیخسرو از سلاطین سلجوقی روم بیان کرده است .

خسروا بنده سالهای دراز
زهده ورزید نه ز روی و ریا
در مدارس بسی که جان دادم
شبهها روز کرده چون یلدا
علم فقه و خلاف خوانده بسی

اول و تمام وقایعی که در دربار اتفاق می افتاد، فراهم بود و اطلاعات وی بخصوص در مورد وقایع دوره آخرین سلاطین این سلسله درخور اهمیت بسیار است . جدای از این ویژگی کتاب راحة الصدور از لحاظ ادبی و ویژگی های زبانی نیز بسیار غنی و با ارزش است، به این خاطر که شرح و گزارشی است از نحوه املاء قدیمی در آن دوره و نحوه کاربرد عبارات و اصطلاحات. علاوه بر اینها در این کتاب تعدادی از اشعار قابل توجه برخی از بزرگترین شاعران ایرانی مندرج است . شعرایی نظیر انوری، نظامی، مجیر بیلقانی، اثیراخیسکتی، حسن غزنوی و مجال الدین اصفهانی که اغلب آنها با مولف معاصر و هم دوره بوده اند. وجود متن این اشعار نشان دهنده آن است که چطور کار این شاعران قدیمی توسط برخی اشخاص نادان و یا کاتبان جاهل تحریف شده است به گونه ای که در بسیاری از موارد یافتن یک خط از این اشعار تنها در دو نسخه خطی مختلف بدون برخی از این مغایرت ها و تناقضات غیرممکن به نظر می رسد.^۳

شرح حال مولف
تمام آنچه که ما درباره مولف این کتاب می دانیم مطالبی است که کاملاً و تماماً از کتاب او بما رسیده است. رواندی از اهالی قصبه راوند از توابع کاشان در یک خانواده عالم در حدود سالهای ۵۵۵-۵۵۵ هـ. ق. بدنی

کتاب راحة الصدور و آية السرور برای سومین و آخرین مرحله حکومت سلجوقیان یعنی «عصر انحطاط و سقوط» (فاصله سالهای ۵۵۲-۵۹۰ ه. ق/ ۱۱۹۴/۱۱۵۷ م.)
از منابع اصلی محسوب می شود

●
برای مولف (راوندی) شخصاً و دایمی اش که از درباری های سلطان طغرل سوم، آخرین پادشاه سلجوقی بوده اند، دسترسی آسان به اطلاعات دست اول و تمام وقایعی که در دربار اتفاق می افتاد، فراهم بود و اطلاعات وی بخصوص در مورد وقایع دوره آخرین سلاطین این سلسله در خور اهمیت بسیار است

نزد هم سن خود شده دانا
نازی و پارسی بدانسته
شعرهای چون لولوی ۷۷
خط و تذهیب و جلد و مصحف را
کرده چونانکه نیستش همتا
هرج چون من کسی بداند کرد
از صنایع من آن کنم انشاء^۵

سلطان طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی ۵۷۱-۵۹۰ ه. ق/ ۱۱۷۵-۱۱۹۴ م. حامی و مشوق بزرگ عالمان بود و خود نیز مشتاق کسب دانش و علوم بود. در سال ۵۷۷ ه. ق/ ۱۱۸۱ م. او مصمم شد که آموزش خوشنویسی را بیاموزد و به این منظور زین الدین محمود بن محمد بن علی الراوندی دایمی دیگر مولف را استخدام کرد و راوندی به همراه دایمی اش به همدان رفت. وقتی که سلطان در این هنر زبردست و ماهر شد تعهد کرد یک رونوشت از قرآن تهیه کند و از این رو عده ای از مذهب کاران را گرد خود جمع آورد و این زرکاری ها برای تزئین نسخه خطی او در هر قسمت «برهرجزوی سی پاره»^۶ به ارزش ۱۰۰ دینار مغربی بود. تقریباً در این مرحله بود که مولف توسط دایمی اش بعنوان یک هنرمند به سلطان معرفی گردید. بتدریج براساس التفات و لطف شاهانه به مراتب بالاتر رسید و در یک مورد حتی موفق شد بابت مال و دارایی که توسط سربازان از منزل یکی از دوستانش بنام نجم الدین در هنگام شورش که به سال ۵۸۳ ه. ق/ ۱۱۸۷ م. در همدان غارت شده بود، دوگونه غرامت «بها مضاعف» بگیرد.^۷

دایمی های مولف، که تمامی آنها پیشه استادی و آموزگاری داشتند، دارای قدر و اعتبار بالایی نزد سلطان و اشراف بودند و آنها پسران خود را برای تحصیل نزد ایشان می فرستادند. بزرگ زادگان نیز از اینکه شاگردان این استادان و الامقام بودند، مباهات می کردند. این خانواده شهرت بسیاری در فن خوشنویسی بدست آورد و بعنوان خطاط کاشی بخوبی شناخته شده و مشهور بودند. به عقیده مولف همچنین «اصحاب مناصب، وزیر و مستوفی و بیشتر دبیران دولت سلطان کاشی بودند.»^۸

زین الدین شاعر نیز بود و به دو زبان پارسی و نازی شعر می سرود. شیوه او در نگارش بسیار در عراق

مقبول بود و بسیاری از علماء و شاعران از شیوه او تقلید و پیروی می کردند. خود راوندی در این باره می گوید که رجال عصر در خط و هنر تفاخر به شاگردی آنها می کردند.

سرانجام ارتباط راوندی با دربار طغرل سوم در سال ۵۸۵ ه. ق/ ۱۱۸۹ م. به سر رسید و این زمانی بود که او عراق را برای همراهی با دایمی اش زین الدین درسفر مازندران ترک کرد. در این سفر زین الدین بعنوان یک سفیر و به منظور رسالت از طرف سلطان سلجوقی به سوی ملک مازندران می رفت. اما آب و هوای آن محل برای راوندی مناسب نبود و وی در نتیجه مریض شد و پس از یک اقامت کوتاه شش ماهه به زادگاه خود [راوند] بازگشت. در اینجا نیز کسالت و ناراحتی او برای یکسال و نیم دیگر ادامه پیدا کرد. مقارن بازگشت او در سال ۵۸۶ ه. ق/ ۱۱۹۰ م. سلطان طغرل توسط اتابک قزل ارسلان یاغی توقیف شده و در قلعه دیزمار (دزمار) در نزدیکی تبریز محبوس شد. این اسارت نزدیک به دو سال بطول انجامید و اگرچه او دوباره در سال ۵۸۸ ه. ق/ ۱۱۹۲ م. و بعد از اینکه اتابک بقتل رسید، تاج و تخت خود را بدست آورد ولی او آمادگی اختصاص وقت و توجه خود به هیچ یک از امور صلح جویانه را نداشت و یکسال و نیم (۵۹۰-۵۸۸) را در تلاش های بی ثمر و بیهوده برای اعاده حکومتش صرف کرد و سرانجام در نبرد علیه ارتش خوارزمشاه در بیرون ری در ۲۴ ربیع الاول سال ۵۹۰ ه. ق/ ۱۹ مارس ۱۱۹۴ م. کشته شد و بدین ترتیب حکومت خاندان سلجوقیان به پایان رسید.

راوندی در شرح این ماجرا چنین می نویسد: «الشکر بیکبار از سلطان بازگشتند در میان ایشان سلطان با چتردار بماند دست بدیشان نمی داد و ایشان نیز قصد کشتن سلطان می کردند که از او رنجیده بودند و محتتها دیده، یک سواره چنان آسان بدست خصمان نیفتد که چنان پادشاهی به دست ایشان افتاد، از اسبش بیفگندند و سرش برداشتند و حرمت سلطنت فرو گذاشتند... درین چنان پادشاهی پرهیز و شهریاری سرور که چشم ابر در دهر برو ماتم او می گردید»^۹.

مولف پس از بازگشت از مازندران در سال ۵۸۶ ه. ق/ ۱۱۹۰ م. در جستجوی وسیله معاش دیگری برمی آید و احتمالاً از این رو بود که به خاندان بزرگ و

ثروتمند علوی همدان که ریاست شهر بین ایشان موروثی بود، ملحق شد وی معلم سه پسر این خانواده یعنی فرزندان علاءالدوله عربشاه به نام های مجدالدین همایون، فخرالدین خسروشاه و عمادالدین مردانشاه شد.

امیر سیدعلاءالدوله عربشاه که خواهرش با سلطان ارسلان ازدواج کرده بود و در راس این خاندان قرار داشت، بخاطر شرکت در توطئه ای علیه سلطان طغرل در سال ۵۸۴ ه. ق (یا اوایل ۵۸۵) به دستور وی به قتل رسید.^{۱۰} راوندی نزدیک به شش سال در این خانواده بسر برد. دو سال بعدی را با یک شاگرد جوان همشهری خود بنام شهاب الدین احمد بن ابی منصور بن محمد بن منصور البزاز کاشانی که با وی بسیار صمیمی بود، سپری کرد. در اینجا بود که احتمالاً برای اولین بار اندیشه نوشتن این کتاب به ذهنش راه یافت و قول داد به دوست جوانش که نام او را بعنوان یاد بود و نشان قدردانی از لطف و مرحمت او در آن کتاب ذکر کند.^{۱۱}

راوندی همچنین در نظر داشت که گلچین و مجموعه ای ادبی (منظومه) از شعرهای شاعران پارسی گوی آن زمان گرد آورد. او در این امر از اشخاصی مثل شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کله الهام گرفته بود که به او سفارش شده بود توسط سید اشرف الدین حسن غزنوی شاعر که بیاموزد و حفظ کند شعرهای شاعران متاخر نظیر عمادی، انوری، ابوالفرج رونی و از شعرهای گذشتگان نظیر سنایی، عنصری، معزی و رودکی اجتناب کند.^{۱۲}

اینگونه بنظر میرسد که سرانجام او این دو نظر را تلفیق کرد و کتاب حاضر را تهیه دید که هم شامل تاریخ است و هم شامل مجموعه ای ادبی. او این آمادگی را نداشت که نیت کامل خود را در این زمینه در مدتی معین و مشخص به اجرا درآورد زیرا که صلح و آرامش لازم در مملکت حاکم نبود. پس از قتل سلطان طغرل، عراق توسط ارتش خوارزمشاه تصرف شد و مردم با آشوب وسیع و حکومت ستمگرانه سرداران ترک خوارزمشاه مواجه شدند. دیگر هیچ احترامی برای آموختن و فهمیدن یا برای اخلاقیات باقی نمانده بود. مردان عالم بازمانده شدند و همچنین کتابهای با ارزش تباہ و نابود گردید، یا اینکه توسط روسای ستمگر و

**راوندی از اهالی قصبه راوند از توابع کاشان
در یک خانواده عالم در حدود سالهای ۵۵۵-۵۵۵ ه.ق
بدنیا آمد و در خردسالی پدر خود را از دست داد**



**راوندی برای مدت ده سال تقریباً از سال ۵۷۰ ه.ق /
۱۱۷۴ م. تا ۵۸۰ ه.ق / ۱۱۸۴ م
تحت سرپرستی دایی اش قرار داشت.**

**طی این مدت به همراه او از شهرهای بزرگ عراق
دیدن کرد و فن خوشنویسی و صحافی و تذهیب را
به خوبی فرا گرفت**

عدل فرمودن و لشکر آراستن و کافر
کاستن به مصاف دادن و بلاد کفر
گشادن می داد.^{۱۱}

مولف چیز دیگری بیش از این در
مورد خود پس از این ایام نمی گوید.^{۱۲}
راوندی جدای از کتاب حاضر، دو کتاب
دیگر نیز قبل از این تالیف کرده است.
کتابی که در محکوم کردن رافضیان با

عنوان شرح فضایح و قبایح رافضیان^{۱۳} و دیگری در
اصول خط که خلاصه آن را در اواخر کتاب با عنوان
فصل فی معرفة اصول الخط آورده است.^{۱۴} او همچنین
اعلام میکند که قصد او برای نوشتن، بیش از این دو
کتاب بوده است و در نظر داشته تا یک تاریخ مجزا و
مشخص از دوره سلطنت سلطان طغرل و یک تاریخ
کلی و عمومی از زمان آدم تا زمان خود را، تالیف
نماید.^{۱۵} اما تاکنون وجود هیچکدام از این چهار مورد
شناخته نشده است. با اینحال به عقیده آقای پرویز
اذکایی وی کتاب شرف النبی و معجزاته تالیف ابوسعید
عبدالملک بن ابوعثمان محمد واعظ خرگوشی نیشابوری
را به فارسی ترجمه کرده است که یک نسخه خطی آن
(مورخ ۵۹۹ ه.ق) در کتابخانه اسعد افندی ترکیه
(شماره ۲۲۲۲) و نسخه دیگر مورخ (مورخ ۶۰۸ ه.
ق) در کتابخانه ملی پاریس (شماره ۳۷۱) وجود
دارد.^{۱۶}

محتوای مطالب و منابع کتاب

بطور کلی کتاب راحة الصدور شامل تاریخ
سلجوقیان بزرگ از آغاز کار این خاندان در اوایل قرن
پنجم هجری / یازدهم میلادی تا زمان سقوط این
سلسله در سال ۵۹۰ ه.ق / ۱۱۹۴ م. است. راوندی در
فصل الحاقی (صفحات ۳۷۵ تا ۴۰۳) شرح مفصلی از
جزئیات تمام حوادث پنج سال بعدی یعنی تا سال
۵۹۵ ه.ق / ۱۱۹۹ م. را فراهم آورده است. بیشترین
علاقه مورخین و تاریخ نگاران به این کتاب در ثبت
حوادث سالهای ۵۹۵ - ۵۵۵ ه.ق / ۱۱۹۹-۱۱۶۰ م. که
دوره سلطنت و حکمروایی دو تن از آخرین پادشاهان
این خاندان یعنی سلطان ارسلان و طغرل را
دربرمی گیرد، نهفته است.^{۱۷} از آنجا که خانواده راوندی
با دربار سلجوقیان عراق و بزرگان همدان ارتباط داشته
و خود در دهه های آخر سده ششم هجری / دوازدهم

۱- پیوسته این شهریار جهاندار از بهر کسان خوان
می نهاد. شیران لشکرش از سگان ابخازی برای
کرکسان خوان نهادند. (ص ۲۶ سطر ۱-۲) در اینجا
ظاهراً مولف از تهاجم سلیمان شاه به ابخاز صحبت
می کند که توصیفی از این داستان در ترجمه ترکی
ابن بی بی در تاریخ سلجوقیان آسیای صغیر آمده
است.

۲- ای آنک تراست ملک آتاش

با دیو و پری بزیر خاتم (ص ۱۲۳ سطر ۲۳)

۳- پشت دین بلمظفر آن شاهی

کامد آتاش شاه پینمبر (ص ۲۵۸ سطر ۷)

بعقیده مرحوم اقبال در هردوی این عبارات به
روشنی و وضوح اشاره به سلیمان پینمبر است و در
نتیجه منظور او سلیمان شاه بوده است.^{۱۸} نام او را
همچنین می توان یافت که با مرکب قرمز در پائین
جدول صفحه ۴۵۱ از کتاب و نسخه حاضر نوشته شده
و نشان دهنده آن است که این جدول برای عرضه و
تقدیم به سلیمان شاه بوده است.

بهر شکل مولف کوشش دارد این واقعت را پنهان
کند و می گوید که کتاب اساساً برای سلطان کیخسرو
بوده است که پس از فتح نمایان انطاکیه در سال
۶۰۳ ه.ق / ۱۲۰۶ م. فرصت را مناسب دیده است تا
کتاب را به او عرضه بدارد.^{۱۹} از قرار معلوم راوندی
شخصاً به قونیه رفت و نسخه اصلاح شده کتابش را
بهمراه داشت و احتمالاً خود شخصاً آن را به سلطان
تقدیم داشت. اینکار ظاهراً با پشت گرمی و تشویق و
اشاره شخصی بزرگان بنام جمال الدین ابی بکر بن
ابی العلاء الرومی که مشغول دیدار از همدان بود، اتفاق
افتاد. وی صحبت گرم و صمیمانه ای با مولف داشت
و از بخشش و سخاوت و دیگر حسنات سلطان کیخسرو
با مردم آن سرزمین، سخن گفت و « شرح سیرت و

فاسد بطور یکجا فروخته شدند. فساد و
انحراف غالب آمد و افراد و سربازان حکام
بیرحم بطور غیر عادلانه و به زور از مردم
اخاذی می کردند. از چنین اوضاع بی
قانونی و نبودن دولت واحد و متمرکز و
رواج هرج و مرج، مولف بارها شکایت
کرده است.^{۲۰}

نحوه تالیف کتاب

راوندی تالیف این کتاب را در سال ۵۹۹ ه.ق /
۱۲۰۲ م. یعنی نه سال پس از انقراض دولت سلجوقه
عراق شروع کرد و طی دو سه سال بعدی مشغول به
این کار بود. پس از تکمیل آن در سال ۶۰۳ ه.ق /
۱۲۰۶ م. طبیعتاً آرزومند و مشتاق بود تا آن را به یکی
از سلاطین سلجوقی آسیای صغیر، که تاریخ پدران
پیشین آنها در این کتاب ثبت شده بود، به امید کسب
پاداش و اجری بزرگ و تجدید کردن روابط سابق خود
با دربار سلجوقی، اهدا کند.

راوندی به آناتولی رفت و توجه او به سلطان
رکن الدین سلیمان شاه معطوف شد که تاج و تخت را از
برادر بزرگترش غیاث الدین کیخسرو بن قلیج ارسلان در
سال ۵۹۷ ه.ق / ۱۲۰۰ م. غصب کرده بود. او به مدت
چهار سال حکومت راند تا به سال ۶۰۱ ه.ق / ۱۲۰۴ م.
فوت کرد. مولف کتاب می گوید زمانی که او می خواست
کتابش را به رکن الدین اهداء کند. این امر را دانسته
و شنیده بود که او یک غاصب است و وارث اصلی و
واقعی سلطنت برادرش کیخسرو است. از این رو
تصمیم خود را عوض کرده و کتاب را به برادر بزرگتر
تقدیم کرد.^{۲۱} بعقیده مصحح کتاب مرحوم محمد اقبال،
درست این است که به هر ترتیب نسخه اول این کتاب
به رکن الدین اهداء شد، اما پس از مرگ او و استقرار
کیخسرو بر تخت شاهی، مولف کتاب را به نام او
تغییر داده و به وی اهداء کرد. بنابراین بنظر می رسد
که او در کتاب تجدیدنظر کرد و تغییرات لازمه را انجام
داد تا آن را شایسته و مناسب برای تقدیم به سلطان
جدید نماید. در هر صورت کتاب با این شکل ظاهر شد
که اصلاحات آن بطور دقیق صورت نگرفته است زیرا
ما اثرهای زیادی از اهداء قبلی کتاب به رکن الدین
سلیمان شاه در آن می بینیم. برای نمونه به عبارات
زیر که مصحح کتاب انتخاب نموده است، توجه کنید:

راوندی تالیف این کتاب را در سال ۵۹۹ هـ. ق / ۱۲۰۲ م.
یعنی نه سال پس از انقراض دولت سلاجقه عراق
شروع کرد و طی دو سه سال بعدی
مشغول این کار بود

راوندی پس از تکمیل کتابش در سال ۶۰۳ هـ. ق /
۱۲۰۶ م. طبیعتاً آرزومند و مشتاق بود تا آن را
به یکی از سلاطین سلجوقی آسیای صغیر
که تاریخ پدران پیشین آنها در این کتاب
ثبت شده بود، به امید کسب پاداش و اجری بزرگ و
تجدید کردن روابط سابق خود با دربار سلجوقی،
اهدای کند

میلادی از نزدیک شاهد وقایع بوده و در جریان حوادث واقع شده است، بخش های آخر کتاب او هم تازگی دارد و هم آگاهی های ویژه ای از لحاظ تاریخ محلی همدان می باشد.^{۲۶}

بعقیده مرحوم اقبال بر ارزش کتاب راوندی باز افزوده می شود، وقتی ما این واقعیت را در نظر بگیریم که تقریباً مطلب

چندانی در اثر بنداری یا ابن اثیر در مورد تاریخ سلجوقیان این دوره نمی توان یافت، اطلاعاتی که عرضه میشود توسط مولف در این مورد کاملاً دست اول و با شرح جزئیات هستند.^{۲۷} در مورد قسمت های اولیه تاریخ سلجوقیان نیز کتاب راحة الصدور کاملاً آگاهی دهنده است و از دوره سلطنت دوازده سلطان اولیه این خاندان گزارش می شود. مولف شرح احوال سلجوقیان را از زمان آمدن ایشان از ترکستان به ماوراءالنهر شروع کرده و دلیل آن را «جنتاب از دارکفر و میل به مجاورت داراسلام نمودن و زیارت خانه کعبه و تقربیت به ایمه دین»^{۲۸} بیان داشته است. وی سپس شرح داستان ملاقات ارسلان اسرائیل بن سلجوق با سلطان محمود غزنوی را آورده است که به دستگیری و حبس وی در قلعه کالنجر هندوستان منتهی می شود ولی روابط آنها را در دوران سلطان مسعود و شرح جنگ ها و نبردها و حتی نبرد مهم دندانقان را که به دنبال آن پیروزی قطعی برای سلجوقیان حاصل شد، به اختصار بیان کرده است و در این مورد باید بیشتر از کتاب بیهقی استفاده کرد.

در یک نگاه کلی مطالب کتاب راحة الصدور با حمد باری تعالی آغاز شده و سپس با ستایش انبیاء و پیامبر گرامی اسلام و صحابه و تابعین و علمای دین و امام ابوحنیفه کوفی و با مدح سلطان کیخسرو بن قلیچ ارسلان ادامه یافته است. در دنباله مطالب ذکر احوال مصنف کتاب و ثنای دوستان و استادانش آورده شده و فصلی نیز در سبب تالیف کتاب ذکر شده است. سپس فهرست مطالب و ترتیب مستودعات آمده پس از ذکر عدل و ستایش انصاف، فهرست اسماء سلاطین و بیان ابتدای کار سلجوقیان و به دنبال آن وقایع دوران حکومت هریک از پادشاهان سلسله سلجوقی به ترتیب بازگو شده است و این مطالب تا زمان مستولی شدن

بادصبا برگشاد چهره گل ناگهان خیل ریاحین رسید از طرف کن فکان بلبل دستان سرای بر سر هر گلبنی از ورق مدح شاه خواند یکی داستان قمری بر شاخ سرو در طرف جویبار گشت ثناگوی شاه از دل و جان مدح خوان سوسن آزاد ماند گرچه بودش ده زبان گنگ چو بنده که نیست گفتن مدحش توان نرگس با جام جم آمد کز بزم شاه بهر ریاحین برد باده چون ارغوان دست برآرد چنار تابدی خواهد او از ملک ذوالجلال دولت شاه جوان بربل هر جویبار گوید هر سبزه یارب سرسبز باد عادل شاه جوان^{۲۹}

به عقیده دکتر ذبیح اله صفا کتاب راحة الصدور یکی از بهترین آثار نثر فارسی است و در شیوه نثر فنی مانند کلیه و دمنه ممتاز است ولی از کلیه و دمنه ساده تر و مشکلات تازی در آن کمتر و موازین و قرینه سازی جز در موارد خاص، بندرت در آن دیده می شود و بنیاد کتاب بر سلاست و روانی است.^{۳۰}

اما برای اطلاعات تاریخی در قسمت اولیه این کتاب تنها منبع مولف، کتاب سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری (متوفی به سال ۵۸۲ هـ. ق.) است که استاد سلطان ارسلان ۵۷۳-۵۵۷ و سلطان مسعود ۵۴۷-۵۲۸ و از خویشان راوندی بوده است. محتوای بخشهای گوناگون در قسمت دوم کتاب شامل تیرانداختن و اسب دوانیدن، مسابقت و شکارکردن، شاید چندان مهم و مفید نباشد و بیشتر در بحث و بررسی مشروعیت یا اشکال دیگر این بازی ها در موقیعت های مختلف از دیدگاه مذهبی بکار می آید. نظیر همان روشی که در مورد مشروعیت و حلالیت شراب در بخش جداگانه ای تحت عنوان «فصل فی الشراب» به آن اختصاص داده شده است.^{۳۱} منابع تمام این بخش ها، برخی از کتب مشهور فقه حنفی است که یکایک توسط مولف بر شمرده شده است یعنی شرح الجامع الکبیر، الجامع الصغیر، شرح طحاوی، مختصر کرخی و مسعودی، شرحهای قدوری و موجز فرغانی. خواص پزشکی شراب های گوناگون عیناً از کتاب ذخیره خوارزمشاهی اثر اسماعیل جرجانی (فوت ۵۳۱ هـ

خوارزمشاه بر مملکت عراق ادامه یافته است. اگر چه مطالب به روشی ساده و روشن به سبک نگارش پیش از مغول نوشته شده و از محاسن کتاب است ولی گستردگی زیاد مطالب به آن لطمه می زند: شرح وسیع از مطالب غیر مربوط، گریزهای طولانی، نقل قولهای مکرر یا بی مورد، مثل های معمول یا پیش پا افتاده عربی به همراه ترجمه پارسی آنها و نقل مقدار زیادی از اشعار. بر اساس برآورد مصحح محترم، اگر بشود همه بخشهای پراکنده و غیر مربوط را از آن پاک کرد، کتاب به ربع حجم کنونی اش می رسد.^{۳۲}

در کل مولف ۲۶۴ ضرب المثل عربی را ذکر کرده است که تقریباً همگی آنها بدون ذکر مأخذ از کتاب الفراند و القلانند تعالی اقتباس شده است. شماره تمامی اشعاری که ذکر کرده ۲۷۹۹ بیت است که از آنها ۵۱۱ بیت از گفته های خود مولف در مدح و ستایش حامی اش سلطان کیخسرو است. ۱۴۴ بیت از انوری، ۱۹۶ بیت از سید اشرف الدین حسن غزنوی، ۷۷ بیت از اخسیکتی، ۳۴۸ بیت از مجیر بیلقانی، ۸۱ بیت از جمال الدین اصفهانی، ۷۲ بیت از عمادی، ۲۴۹ بیت از نظامی (بیشتر از مثنوی مشهور او خسرو شیرین)، ۱۲۲ بیت از شعرای مختلف عرب (بیشتر از مویلدالدین الطغریایی و متنبی)، ۶ بیت از فهلویات یا اشعار محلی،^{۳۳} ۶۷۶ بیت از شاهنامه و باقیمانده در حدود ۳۲۳ بیت از شعرای مختلف فارسی است.

بهر حال راوندی در راحة الصدور از بسیاری از شعرا و علمای بزرگ قرن ششم هجری یاد کرده و اشعاری نیز از آنان آورده است که این ویژگی بر اهمیت کتاب به لحاظ ادبی افزوده است. نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان راوندی مولف کتاب حاضر، خود نیز شعری در حد متوسط می سروده و بعضی از قصائدش را در این کتاب آورده است:

راوندی جدای از کتاب حاضر،
دو کتاب دیگر نیز قبل از این تالیف کرده است.
کتابی در محکوم کردن رافضیان با عنوان شرح فضایح و
قبایح رافضیان و دیگری در اصول خط که خلاصه آن را
در اواخر کتاب راحة الصدور با عنوان فصل
فی معرفة اصول الخط آورده است

کتاب راحة الصدور شامل تاریخ سلجوقیان بزرگ
از آغاز کار این خاندان در اوایل قرن پنجم هجری /
یازدهم میلادی تا زمان سقوط این سلسله در سال
۵۹۰هـ/ق. ۱۱۹۴م. است

کار نیز بوده است. به عقیده کلود
کاهن دو کتاب سلجوقنامه و
راحة الصدور که از قدیمی ترین کتب
نوشته شده به زبان فارسی است به
دلیل تاثیر فراوانی که مستقیم و
غیرمستقیم بر سایر کتب تاریخی
فارسی زبان پس از خود درباب

سلاجقه گذاشته اند، از اهمیت بسزایی برخوردارند.^{۳۲}
البته قبل از این دو، منبع قدیمی تری در باب خاستگاه
سلاجقه به نام ملک نامه وجود داشته که متأسفانه از
میان رفته است و این احتمال وجود دارد که منابع
دیگر از آن نیز استفاده کرده باشند.^{۳۳}

چاپ کتاب

نسخه خطی اصلی کتاب با خط نسخ واضح بزرگ
با تاریخ اول رمضان سال ۶۳۵هـ/ق. ۱۷ آوریل ۱۲۳۸م.
به کتابت حاج الیاس بن عبدالله حافظ قونوی نوشته
شده است. این نسخه خطی که در ابتدا به آقای شفر
تعلق داشت، اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری
می شود.^{۳۴} شایان ذکر است که در زمان سلطنت الحیاتو
از ایلخانان مغول، شخصی به نام محمدبن محمدبن
عبدالله بن نظام الحسینی الیزدی در سال ۷۱۱هـ/ق.
۱۳۱۱-۲م. کتابی به نام العراضه فی الحکایت السلجوقیه
نوشته. این شخص وزیر ابوسعید ایلخان مغول بود و
کتاب وی دقیقاً خلاصه ای است از کتاب راوندی، تنها
با این تفاوت که برخلاف نثر ساده و روان راحة الصدور،
العراضه دارای نثری مصنوع و متکلف است.

کتاب راحة الصدور همچنین در زمان سلطنت
سلطان مراد دوم از امپراتوران عثمانی ۸۵۵-۸۲۵هـ/ق.
۱۴۵۱-۴۴۱م. توسط شخصی ناشناس به زبان ترکی
ترجمه شده است و نسخه هایی از این ترجمه ترکی در
لیدن و در موزه آسیایی لنینگراد و توپقایی سرای
استانبول وجود دارد.^{۳۵}

مرحوم محمدآقبال به اشاره ادواردبراون به اهمیت
این کتاب پی برد و آن را برای چاپ آماده نمود و
در سال ۱۹۲۱ در انتشارات بنیاد گیپ در لندن به طبع
رساند. مرحوم آقبال در تصحیح این کتاب بطور کلی از
روش علامه قزوینی در تصحیح تاریخ جهانگشا پیروی
کرده است و به منظور قادر کردن خوانندگان در تایید و

سلجوقی عراق نوشته است. اگر چه عده ای از محققان
با بها ندادن به کار راوندی عقیده دارند که اساس کار
وی استفاده از سلجوقنامه است و راوندی تنها سبک
ظهیری را تغییر داده است.^{۳۶} با اینحال بدون تردید
هنوز کتاب راحة الصدور مشهورترین و معتبرترین منبع
در باب سلاجقه محسوب میشود.^{۳۷} از قرار معلوم کتاب
نیشابوری^{۳۸} در مورد سلجوقیان منبع اولیه تقریباً تمامی
مورخان فارسی بعدی بوده است.

غیر از راوندی، این کتاب توسط حمدالله مستوفی
در تاریخ گزیده (نوشته ۷۲۰ هـ/ق.) و حافظ ابرو در
زبدة التواریخ (نوشته ۸۳۰ هـ/ق.) به مقدار فراوان مورد
استفاده قرار گرفته است. هردوی آنها نظیر راوندی ذکر
کرده اند که آن کتاب یکی از منابع آنها بوده است.^{۳۹} هر
سه این مورخان به مقدار وسیعی از کتاب سلجوقنامه
اقتباس کرده اند که مصحح محترم کتاب با ذکر عبارات
مشترکی از کتب آنها این امر را نشان داده است.^{۴۰}
تاریخ گزیده و زبدة التواریخ برای مورخان فارسی
بعدی در حکم منابع عمومی هستند که آنها نیز بطور
غیر مستقیم از سلجوقنامه نیشابوری استفاده کرده اند.
از میان آنها مولفین حبیب السیر و تاریخ الفی و روضة
الصفا شایسته ذکر هستند زیرا این کتابها، هم در شرق
و هم در غرب بسیار مشهورند. هر سه این مولفین در
مقدمه و دیباچه اثر خود، به استفاده از تاریخ گزیده
اشاره و اذعان نموده اند.

اگرچه بسیاری از مطالب تاریخی بخش اول کتاب
راوندی از جهت نظم و ترتیب وقایع و طرز عبارت
بندی شباهت زیادی به سلجوقنامه دارد و در این قضیه
که راوندی از کتاب ظهیرالدین نیشابوری بعنوان منبع
اصلی تاریخی خود استفاده کرده، شکی نیست با اینحال
باید توجه داشت که خود راوندی نیز در نظم و نثر استاد
بود و همچنین کاتب و خوشنویس و وراق و تذهیب

ق. البته بدون اشاره به ماخذ نقل شده
است.

فصل مربوط به شطرنج^{۴۱} شامل
هیچ مطلب مخصوص یا فوق العاده یا
آموزنده ای نیست. این بخش کم و بیش
بازگویی و تکرار همان مطالبی است که
اغلب توسط مولفین اولیه یا متاخر در

مورد شطرنج گفته شده است. اینکه بازی شطرنج در
هندوستان ابداع گردید و در دوران سلطنت انوشیروان
عادل به ایران آورده شد و وزیر بوذرجمهر برخی تغییرات
را در آن انجام دادو سپس این بازی به بیزانس منتقل
شد و در این مرحله تغییرات بیشتری در آن بعمل آمد.
فصل مربوط به خوشنویسی^{۴۲} جالب و مفید است
برای نشان دادن ماهیت «خط منسوب»، روشی
برای کشیدن و رسم اشکال حروف الفبایی براساس
اصول هندسی یعنی کشیدن حروف پیوسته با کمک
حروف قبلی، بنابراین تمامی حروف و البته (منسوب)
هستند به حرف دیگر. خط منسوب از آن رو گفته اند
که هر حرفی بدان دیگری نسبتی دارد. چهار نوع
مقاوت از ترسیم و دستخط ذکر شده: نسخ، رقع،
ثلث و محقق و در موارد بسیاری مولف بطور مشخص
روش های کشیدن و رسم حروف را براساس این دستخط های
گوناگون نشان میدهد.

فصل مربوط به غالب و مغلوب^{۴۳} به روش
محاسبه و پیش بینی نتیجه جدال ها و رقابت ها بین
حریفان و رقیبان اشاره دارد. این طریقه براساس نظر
مولف، اولین بار توسط نيقوماخس برای پسرش
ارسطایس تنظیم شده بود و او این دفتر را به حضور
اسکندر کبیر آورد. این روش که درستی آن وی را
متقاعد کرده بود، باعث آن شد که او هیچوقت درگیر
جنگ و مجادله ای نمی شد اگر براساس این روش نتیجه
آن شکست بود.

بهرصورت اهمیت کتاب راحة الصدور در وهله
نخست از باب بیان وقایع سیاسی و نظامی و اداری
دوره سلجوقی است. همانطور که قبلاً اشاره شد تنها
منبع اطلاعاتی مولف کتاب برای قسمت اولیه آن،
سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری است که او اثر خویش
را در دوران سلطنت سلطان طغرل آخرین پادشاه

بیشترین علاقه مورخین و تاریخ نگاران به این کتاب
در ثبت حوادث سالهای ۵۵۵-۵۹۵ ه.ق /
۱۱۹۹-۱۱۶۰ م. که دوره سلطنت و حکمروایی
دو تن از آخرین پادشاهان این خاندان یعنی سلطان
ارسلان و طغرل را دربرمی گیرد، نهفته است

از آنجا که خانواده راوندی با دربار سلجوقیان عراق
و بزرگان همدان ارتباط داشته و خود در دهه های
آخر سده ششم هجری / دوازدهم میلادی
از نزدیک شاهد وقایع بوده و در جریان حوادث
واقع شده است، بخش های آخر کتاب او،
هم تازگی دارد و هم آگاهی های ویژه ای از لحاظ تاریخ
محلی همدان می باشد

اثبات اظهارات تاریخی و حقایق، شایسته
دیده است که برای مطابقت عبارتها به
کتاب ابن اثیر و بنداری یعنی دو کتاب بزرگ
و معتبر در باب سلاجقه، ارجاع دهد.^{۴۴}
مصحح با توجه به داشتن یک نسخه
منحصر به فرد از کتاب، با مشکلات زیادی
روبرو بوده است. علیرغم زحمات مرحوم

اقبال در تصحیح متن، مرحوم مجتبی مینوی نیز در آن
اغلاطی را پیدا کرده و در پنج صفحه اول کتاب به ذکر
آنها پرداخته است. به این ترتیب متن کامل کتاب
راحة الصدور و آية السرور به تصحیح دکتر محمد اقبال و
به انضمام حواشی و تصحیحات لازم مرحوم مینوی و
ضمایم ارزشمندی چون فرهنگ کلمات و مصطلحات
نادره و فهرست کامل اعلام به همراه یک دیباچه مفصل
به زبان انگلیسی به چاپ رسید. در ایران نیز این کار
به صورت چاپ افست به همت انتشارات امیرکبیر
برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ ه.ش. و پس از آن
چند بار دیگر به چاپ رسیده و در اختیار علاقه مندان و
محققان قرار دارد، به امید آنکه در پژوهشهای تاریخی
مورد استفاده قرار گیرد.

زیرنویس ها:

۱- راوندی محمد بن علی بن سلیمان، راحة الصدور و
آية السرور، بسعی و تصحیح محمد اقبال، با حواشی و فهرس
مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۴
۲- کتاب عمادالدین کاتب اصفهانی که در اصل به زبان
عربی بود، ترجمه شده یادداشت های وزیر سلجوقی انوشیروان بن
خالد به زبان فارسی بود و سپس توسط فتح بن علی بنداری
خلاصه آن تحت عنوان «زبدة النصره و نخبه العصرة» تنظیم و
به پادشاه دمشق هدیه داده شد. این کتاب توسط مستشرق آلمانی
پروفسور هوتسما در سال ۱۸۸۹ در لیدن منتشر شد و در ایران نیز
توسط آقای محمدحسین جلیلی به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۵۶
توسط بنیاد فرهنگ ایران منتشر شد.

۳- راوندی، پیشین، مقدمه انگلیسی بقلم محمد اقبال .
ص ۱۱

۴- همان، ص ۴۱-۴۰

۵- همان، ص ۳۷

۶- همان، ص ۴۴

۷- همان، ص ۳۴۴

۸- همان، ص ۵۱

۹- همان، ص ۲۵۷-۲۶۲

۱۰- «او را مست خفته در خیمه بکشند.» ص ۳۶۳

۱۱- همان، ص ۳۷۱-۲

۱۲- «زه فرمودنداند.» ص ۲۵۲. راوندی رعایت حقوق او

را نسبت به خود در تعزیت نامه ای آورده است و راوندی، پیشین،

ص ۲۵۳-۵

۱۳- همان، ص ۴۷-۹

۱۴- همان، ص ۵۷۸

۱۵- همان مقدمه انگلیسی. ص XVIII و XIX

۱۶- همان، ص ۴۶۱-۲

۱۷- همان مقدمه انگلیسی. ص XX

۱۸- همان، ص ۶۲-۳

۱۹- همان، ص ۴۶۱-۲

۲۰- آقای پرویز اذکابی حدود زندگی وی را ما بین سالهای

۵۵۰-۶۱۰ هجری قمری تعیین کرده و بر حسب قرآن در گذشت

وی را در دربار روم و در شهر قونیه دانسته است. تاریخ نگاران

ایران، بخش یکم، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۳، ص ۲۶۹.

۲۱- خود راوندی شافعی بود، در حالیکه اکثر اهالی کاشان به

گفته وی رافضی بودند. ص ۳۹۴.

۲۲- راوندی، پیشین، ص ۴۷-۴۲

۲۳- همان، ص ۴۴ و ۴۳

۲۴- اذکابی، پیشین، ص ۲۶۷

۲۵- راوندی، پیشین، ص ۴۰۳-۲۸۱

۲۶- اذکابی، پیشین، ص ۲۷۰

۲۷- راوندی، پیشین، مقدمه انگلیسی ج ص

XXI

۲۸- همان، ص ۸۶

۲۹- همان مقدمه انگلیسی. ص XXII

۳۰- یک بیت در ص ۴۵ چهاربیت در ص ۴۶ و یک بیت در

ص ۴۶۰. اگر چه راوندی اکثر اشعار و آیات را
ترجمه کرده ولی متأسفانه این فہلویات را بدون
ترجمه آورده است که احتمالاً نشان دهنده این
امر است که در دوره وی این زبان برای مردم
مفہوم بوده و نیازی به ترجمه نداشته است.
۳۱- این قصیده در مدح سلطان کیخسرو
بن قلع ارسلان است ص ۲۷۱-۲.

۳۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، انتشارات

فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۰۱۱.

۳۳- راوندی، پیشین، ص ۲۸-۴۱۶

۳۴- همان، ص ۱۶-۴۰۵

۳۵- همان، ص ۴۷-۴۳۷

۳۶- همان، ص ۵۷-۴۴۷

۳۷- ربیکا، جی، تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان

تا فروپاشی دولت ایلخانان، گردآورنده جی. ابویل، ترجمه حسن

انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ج ۵، بخش هفتم، ص ۵۸۵.

۳۸- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام،

تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۴۶- صفا، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۰۸.

۳۹- نیشابوری، ظہیرالدین، سلجوقنامه، تهران، چاپ

اسماعیل افشار، ۱۳۳۲، متأسفانه از این اثر ظاهراً چاپ دیگری

صورت نگرفته و تقریباً کمیاب است.

۴۰- راوندی، پیشین، ص ۵-۶۴. حمدالله مستوفی تاریخ

گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۴.

ص ۷

۴۱- راوندی، پیشین، مقدمه انگلیسی. ص

XXXII و XXX

۴۲- کاهن، کلود، «بررسی منابع تاریخی مربوط به دوره

سلجوقی» ترجمه اسماعیل دولتشاهی و غلامرضا همایون، مجله

سخن، دوره ۲۳ (اسفند ۱۳۵۲) ص ۳۹۲

۴۳- برای اطلاعات بیشتر ن. گ. باسورث، کلیفورد ادموند،

تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص

۱۰، ۱۲۶، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۱.

۴۴- راوندی، پیشین، مقدمه انگلیسی. ص IX

۴۵- زرین کوب، پیشین، ص ۴۶.

۴۶- راوندی، پیشین، مقدمه انگلیسی. ص XI، XII